

بازنگری در سهم الارث زوجه و درخواست حذف ماده ۹۴۶ قانون مدنی

(یک طرح پیشنهادی مشفقانه)

(بخش چهارم)

علی بهاری راد^۱

در شماره‌های قبل در خصوص سهم الارث زوج و زوجه، به بخش‌های مربوطه در بعضی از تفاسیر قرآن و رساله‌های مراجع عظام فقهی و کتب احکام و حقوق مدنی اشاره شد، اینک ادامه نظریات علما و فقها را پی می‌گیریم:

فرازهایی از «حقوق مدنی» تألیف دکتر سیدحسن امامی

باب سوم - در سهم الارث زوجین با ورثه طبقه اول:

به دستور ماده ۹۱۳ ق.م (در تمام صور مذکور در این مبحث هر یک از زوجین که زنده باشند فرض خود را می‌برد و این فرض عبارت است از نصف ترکه برای زوج و ربع آن برای زوجه در صورتی که میت اولاد یا اولاد اولاد نداشته باشد و ربع ترکه برای زوج و ثمن آن برای زوجه در صورتی که میت اولاد یا اولاد اولاد داشته باشد و مابقی ترکه بر طبق

مقررات مواد قبل: بین سایر وراثت تقسیم می‌شود) بنابراین چنانچه میت دارای پدر و مادر و زوجه و چند فرزند باشد، پدر و مادر و زوجه هر یک سهم خود را از اصل ترکه می‌برند و بقیه بین فرزندان میت تقسیم می‌شود. یعنی سهم پدر $\frac{1}{6}$ + سهم مادر $\frac{1}{6}$ + سهم زوجه $\frac{1}{4}$ = مجموع می‌شود $\frac{14}{24}$ و بقیه ترکه که $\frac{10}{24}$ است بین فرزندان متوفی طبق مقررات مربوطه تقسیم می‌شود و هرگاه میت دارای پدر و مادر و زوج یا زوجه باشد چنانکه گذشت صاحبان فرض یعنی مادر $\frac{1}{3}$ زوج یا زوجه $\frac{1}{2}$ یا $\frac{1}{4}$ نصیب خود را می‌برند و بقیه به عنوان قرابت به پدر داده می‌شود.

باب چهارم - در نقص و زیادتی ترکه:

ماده ۹۱۴ قانون مدنی می‌گوید: «اگر به واسطه بودن چندین نفر صاحبان فرض، ترکه میت کفایت تمام آنها را نکند، نقص بر بنت و بنتین وارد می‌شود و اگر پس از موضوع کردن نصیب صاحبان فرض، زیادتی باشد و وارثی نباشد که زیاده را به عنوان قرابت ببرد، این زاده بین صاحبان فرض بر طبق مقررات مواد فوق تقسیم می‌شود، لیکن زوج و زوجه مطلقاً و مادر اگر حاجب داشته باشد از زیاده چیزی نمی‌برد» ماده مزبور دو امر را متذکر است:

اول: در عول و عدم کفایت ترکه به سهام ورثه

در صورتی که در ورثه طبقه اولی، واحد ترکه کفایت نصیب تمام صاحبان سهام را ننماید، نقص بر بنت و بنتین وارد می‌شود. چنانکه از ماده مزبور معلوم می‌گردد عدم کفایت واحد ترکه برای نصیب تمام صاحبان سهام در ورثه طبقه اولی در دو مورد پیش می‌آید:

۱ - مورد ماده ۹۰۸ قانون مدنی که میت علاوه بر پدر و مادر و یک دختر دارای زوج نیز باشد در این صورت واحد ترکه کفایت نصیب آنان را نمی‌نماید زیرا نصیب هر یک از پدر و مادر $\frac{1}{6}$ است نصیب دختر $\frac{1}{3}$ و نصیب زوج $\frac{1}{4}$ مجموع تمام این سهام می‌شود:

$$\frac{1}{4} + \frac{1}{2} + \frac{1}{6} + \frac{1}{6} = \frac{26}{24}$$

و آن به مقدار $\frac{2}{24}$ بیش از واحد ترکه است. در این فرع به دستور ماده ۹۱۴ قانون مدنی نقص بر دختر وارد می‌شود یعنی به جای آنکه به دختر $\frac{12}{24}$ (نصف از ترکه) داده شود $\frac{10}{24}$

داده می‌شود.

۲ - مورد ماده ۹۰۹ قانون مدنی که میت علاوه بر پدر و مادر و چند دختر دارای زوج نیز باشد، در این صورت واحد ترکه کفایت نصیب تمامی ورثه را نمی‌نماید. زیرا نصیب هر یک از پدر و مادر $\frac{1}{6}$ است و نصیب دخترها $\frac{2}{3}$ و نصیب زوج $\frac{1}{4}$ و مجموع تمام سهام اینان می‌شود:

$$\frac{1}{6} + \frac{1}{6} + \frac{2}{3} + \frac{1}{4} = \frac{30}{34} \text{ و آن به مقدار } \frac{6}{34} \text{ بیش از واحد ترکه است.}$$
 در این صورت نقص بر دخترها وارد می‌شود، $\frac{10}{34}$ به آنها داده می‌شود.

روشی که در صورت عدم کفایت واحد ترکه به نصیب تمامی صاحبان فرض، نقص بر بنت و بنتین وارد می‌شود، طریقه‌ای است که حقوق امامیه از آن پیروی نموده است. طریقه دیگری موجود است که اهل تسنن از آن متابعت نموده‌اند که آن را عول نامند. عول بدین نحو است که ترکه را بر مجموع سهام تقسیم می‌نمایند، در این صورت نقص بر تمامی سهام وارد می‌شود. مثلاً در مثال مذکور در (الف) ترکه را به جای آنکه به «۲۴» سهم تقسیم کنند به «۲۶» تقسیم می‌نمایند و در مثال مذکور در (ب) ترکه را به جای آنکه به «۲۴» تقسیم کنند به «۳۰» سهم تقسیم می‌نمایند و به هر کس نصیب خود را می‌دهند. عول در لغت به معنای زیاده است.

توضیح - موارد عول و عدم کفایت واحد ترکه که در بالا بیان گردید در صورتی است که تمام ورثه به عنوان صاحبان فرض سهیم در ترکه بوده و مجموع نصیب آنان بیش از واحد ترکه باشد، و الا هرگاه بعضی از ورثه به عنوان صاحب فرض و بعضی دیگر به عنوان قرابت از ترکه سهم ببرند، قبلاً نصیب صاحبان فرض داده می‌شود و آنچه می‌ماند متعلق به صاحبان قرابت خواهد بود.

بنابراین در صورتی که متوفی دارای مادر، پدر و زوج یا زوجه باشد و زوج یا زوجه فرض خود را ببرد، یعنی مادر $\frac{1}{3}$ زوج $\frac{1}{2}$ و یا زوجه $\frac{1}{4}$ و بقیه به پدر به عنوان قرابت داده می‌شود و $\frac{2}{3}$ که در ماده ۹۰۶ قانون مدنی برای پدر مقرر داشته، به عنوان قرابت

می‌باشد (ماده ۸۹۷ قانون مدنی). لذا نمی‌توان گفت که هر گاه پدر و مادر وارث منحصر باشند، پدر $\frac{۲}{۳}$ و مادر $\frac{۱}{۳}$ در سهم می‌شوند و چون زوج یا زوجه با آنان باشند، پدر کمتر می‌برد و از موارد عدم کفایت سهام است.

دوم - در تعصیب و زیادتى تركه از سهام ورثه

چنانکه در شرح ماده ۹۰۵ قانون مدنی گذشت، هرگاه پس از موضوع کردن نصیب صاحبان فرض، زیادتى از تركه بماند و وراثتى نباشد که آن زیاده را به عنوان قرابت ببرد، زیاده بین صاحبان فرض طبق دستور ساده ۹۰۵ و ۹۱۴ قانون مدنی تقسیم می‌شود. به دستور مواد یاد شده در بالا زوج و زوجة مطلقاً و مادر اگر حاجب داشته باشد از آن زیاده چیزی نمی‌برد. دادن زیاده به صاحبان فرض را در اصطلاح «رد» گویند.

چنانکه از عبارت ماده ۹۱۴ قانون مدنی معلوم است، فرع مزبور در صورتی پیش می‌آید که تمامی ورثه از صاحبان فرض باشند و وراثتى به عنوان قرابت موجود نباشد تا آن زیاده را ببرد و الا پس از آنکه صاحبان فرض سهام خود را بردند، بقیه به ورثه‌ای که به قرابت ارث می‌برند داده می‌شود.

مواردی که ورثه منحصر از صاحبان فرض هستند و پس از بردن سهام خود، مقداری از تركه باقی می‌ماند عبارت است از:

- ۱ - هرگاه وارث میت منحصر به یک دختر باشد. نصف از تركه را به فرض می‌برد و چون کسی از صاحبان قرابت هر طبقه او نیست که بقیه را ببرد، آن نصف دیگر را به عنوان رد به او می‌دهند.

در صورتی که ورثه متوفی منحصر در یک دختر یا زوجه باشد به طریق ذیل عمل می‌شود:

الف - هرگاه ورثه میت عبارت از یک دختر و زوج باشد، در این صورت سهم زوج $\frac{۱}{۴}$ و سهم دختر $\frac{۳}{۴}$ می‌باشد که محصور در این دو می‌شود $\frac{۲}{۴}$ و بقیه آن که $\frac{۱}{۴}$ باشد به عنوان رد به دختر داده می‌شود و زوج از زیاده محروم است.

ب - هرگاه ورثه میت عبارت از یک دختر و زوج باشد، سهم زوجه $\frac{۱}{۸}$ است و سهم دختر

$\frac{1}{4}$ می‌باشد که مجموع آن دو می‌شود $\frac{5}{8}$ از ترکه و بقیه آنکه $\frac{3}{8}$ است به عنوان رد به دختر داده می‌شود و زوجه از زیاده محروم است.

۲- در صورتی که ورثه منحصر به چند دختر باشد، دو ثلث از ترکه به عنوان فرض، به آنان داده می‌شود و چون از صاحبان قرابت کسی در درجه آنها نیست یک ثلث باقی هم به عنوان رد به آنان می‌رسد.

در صورتی که ورثه منحصر در چند دختر و زوج یا زوجه باشند به طریق ذیل عمل می‌شود:

الف - هرگاه ورثه میت عبارت از چند دختر و زوج باشد، در این صورت سهم چند دختر $\frac{2}{3}$ و سهم زوج $\frac{1}{4}$ می‌باشد که مجموع آن دو می‌شود $\frac{11}{12}$ از ترکه. باقی می‌ماند $\frac{1}{12}$ که به عنوان رد به دخترها داده می‌شود و زوج از زیاده محروم می‌باشد.

ب - هرگاه ورثه میت عبارت از چند دختر و زوجه باشد، در این صورت سهم چند دختر می‌شود $\frac{2}{3}$ و سهم زوجه $\frac{1}{8}$ که مجموع آن دو می‌شود $\frac{19}{24}$ از ترکه. باقی می‌ماند $\frac{5}{24}$ که به عنوان رد به دخترها داده می‌شود و زوجه از زیاده محروم می‌باشد. قانون مدنی در این امر پیروی از حقوق امامیه نموده است.

در حقوق اهل تسنن، قاعده تعصیب عمل می‌شود، یعنی زائد بر سهام صاحبان فرض، به خویشاوندان ابوینی اگرچه از درجه و یا طبقه مؤخر باشند داده می‌شود، تعصیب یعنی دادن به عصبه و او خویشاوند پدری شخص است.

عصب در لغت یعنی احاطه کرد، و به خویشاوندان پدری از آن جهت عصبه گویند که شخص را احاطه کرده و از او حمایت می‌نمایند.

باب سوم

سهم الارث زوجین با ورثه طبقه دوم

به دستور ماده ۹۲۷ قانون مدنی: «در تمام مواد مذکوره در این مبحث هر یک از زوجین که باشد فرض خود را از اصل ترکه می‌برد و این فرض عبارت است از نصف اصل

ترکه برای زوج و ربع آن برای زوجه.

متقربین به مادر هم اعم از اجداد یا کلاله فرض خود را از اصل ترکه می‌برند. هرگاه به واسطه ورود زوج یا زوجه نقصی موجود گردد نقص بر کلاله ابوینی یا ابی یا بر اجداد ابی وارد می‌شود».

ماده مزبور چهار امر را متذکر شده است:

۱ - قانون مدنی در ماده ۹۱۳ به طور کلی نصیب زوج و زوجه را با فرض وجود اولاد برای متوفی و عدم وجود آن برای او بیان نموده است. ولی در ماده ۹۲۷ مخصوصاً تصریح به سهم آنان با بودن وارث طبقه دوم نموده و آن نصف ترکه برای زوج و ربع آن برای زوجه می‌باشد، زیرا ماده مزبور در مبحث سهم‌الارث ورثه طبقه دوم است و آن در موردی است که متوفی اولاد و اولاد اولاد ندارد.

۲ - زوج یا زوجه سهم‌الارث خود را از اصل ترکه می‌برند، یعنی بدون آنکه سهم‌الارث ورثه دیگر در نظر گرفته شود. نصف و یا ربع نصیب زوج و یا زوجه از ترکه برداشت می‌شود.

۳ - متقربین به مادر هم اعم از اجداد یا کلاله فرض خود را از اصل ترکه می‌برند. بنابراین در مورد ماده ۹۲۲ قانون مدنی که اخوه ابوینی و اخوه امی با هم جمع شده‌اند، چنانچه اخوه امی متعدد باشند ثلث از اصل ترکه و چنانچه یک نفر باشد سدس از اصل ترکه را می‌برند و بقیه ترکه به خویشاوندان پدری داده می‌شود. مثلاً هرگاه زن بیوه بمیرد و چند برادرزاده یا خواهرزاده امی و چند اجداد و اخوه ابوینی از خود باقی گذارده باشد قبلاً نصیب اخوه امی که در صورت تعدد $\frac{۱}{۳}$ از ترکه است برداشته می‌شود، سپس $\frac{۲}{۳}$ که باقی مانده از ترکه است به خویشاوندان ابی داده می‌شود که آن را طبق مقررات مربوطه، یعنی حصه ذکور دو برابر اناث، بین خود تقسیم می‌کنند.

۴ - در صورتی که به واسطه بودن زوج یا زوجه حین فوت مورث در تقسیم نقصی در نصیب دیگر ورثه حاصل گردد، نقص بر کلاله ابوینی یا ابی تحمیل می‌شود. بنابراین در

مورد ماده ۹۲۴ قانون مدنی در صورتی که ورثه میت عبارت از اجداد و کلاله ابوینی و امی هم باشند (که دو ثلث از ترکه از آن وارثی می‌باشد که به پدر خویشاوندی دارد و یک ثلث از ترکه به وارثی تعلق دارد که از خویشاوندان مادری می‌باشد) چنانچه میت زوج یا زوجه داشته باشد، در تقسیم نقص حاصل می‌گردد، زیرا مجموع $\frac{1}{3}$ و $\frac{2}{3}$ و $\frac{1}{3}$ (سهم زوج) یا $\frac{1}{4}$ (سهم زوجه) از واحد ترکه بیشتر است. بنابراین طبق قسمت اخیر ماده ۹۲۷ قانون مدنی قبلاً سهم خویشاوندان امی که $\frac{1}{3}$ از اصل ترکه می‌باشد و همچنین سهم زوج که $\frac{1}{4}$ از اصل ترکه است باید برداشت نمود $\frac{1}{3} + \frac{1}{4} = \frac{7}{12}$ و بقیه آن که $\frac{5}{12}$ است به خویشاوندان ابوینی به جای $\frac{2}{3}$ ($\frac{8}{12}$) داده می‌شود. چنانچه متوفی زوجه داشته باشد $\frac{1}{3}$ سهم خویشاوندان امی و $\frac{1}{4}$ سهم زوجه که مجموع آن می‌شود $\frac{7}{12}$ و بقیه ترکه که $\frac{5}{12}$ است به جای $\frac{2}{3}$ ($\frac{8}{12}$) به خویشاوندان ابوینی داده خواهد شد.

نکته قابل توجه آنکه در سهم الارث طبقه اولی نقص بر بنت و بنتین وارد می‌گردد و در سهم الارث طبقه دوم نقص بر خویشاوندان ابوینی تحمیل می‌شود.

باب سوم

زوجین با ورثه طبقه سوم

به دستور قسمت اول ماده ۹۳۸ قانون مدنی «در تمام مواد مزبوره در این مبحث هر یک از زوجین که باشد فرض خود را از اصل ترکه می‌برد و این فرض عبارت است از نصف اصل ترکه برای زوج و ربع آن برای زوجه...» چنانکه در مبحث اول و دوم گذشت، زوج و زوجه از صاحبان فرض شناخته شده و از اصل ترکه سهم خود را می‌برند و آن در صورتی که با ورثه طبقه سوم قرار گیرد ربع برای زوجه و نصف برای زوج است. همچنین به دستور ذیل ماده ۹۳۸ قانون مدنی: «... متقرب به مادر هم نصیب خود را از اصل ترکه می‌برد باقی ترکه مال متقرب به پدر است و اگر نقصی هم باشد بر متقربین به پدر وارد می‌شود». قانون مدنی خویشاوندان مادری را مانند صاحبان فرض شناخته و مقرر داشته است که قبلاً در

ردیف زوج یا زوجه نصیب خود را ببرند و سپس آنچه می‌ماند به خویشاوندان پدری داده شود. بنابراین در صورت اجتماع صاحبان فرض و چند متقرب به مادر و متقربین به پدر، صاحبان فرض و متقربین به مادر سهم خود را می‌برند و هرچه بماند به متقربین به پدر می‌دهند. اگرچه از سهم معینه آنها هم کمتر باشد. مثلاً در صورتی که وارث متوفی منحصر باشد به چند عمو و عمه و چند دایی و خاله و خاله و زوج، سهم الارث دایی و خاله $\frac{1}{3}$ ترکه و سهم الارث زوج $\frac{1}{3}$ از ترکه که مجموع می‌شود $\frac{1}{3} + \frac{1}{3} = \frac{2}{3}$ و بقیه ترکه $\frac{1}{6}$ است به چند عمو و عمه که خویشاوندان پدری می‌باشند داده می‌شود. یعنی نقص بر خویشاوندان پدری وارد آمده است، زیرا چنانچه میت زوج نداشت خویشاوندان پدری دو ثلث بقیه ترکه را می‌بردند چون زوج شریک ورثه دیگر متوفی در ترکه شده، سهم خویشاوندان پدری تقلیل یافته و از دو ثلث به یک سدس رسیده است.

باب دوم

در سهم الارث زوجین

سهم الارث زوجین از یکدیگر متفاوت می‌باشد و با شرایط متساوی نصیب زوج از ترکه دو برابر نصیب زوجه از ترکه زوج است. مبنای اختلاف مزبور برتری مرد بر زن می‌باشد که در بسیاری از موارد ارث رعایت شده است. به دستور ماده ۹۴۱ قانون مدنی: «سهم الارث زوج و زوجه از ترکه یکدیگر به طوری است که در مواد ۹۱۳ و ۹۲۷ و ۹۳۸ ذکر شده است». سهم الارث هر یک از زوجین چنانکه مواد بالا متذکر است به شرح زیر می‌باشد:

اول - سهم الارث زوجین با بودن اقربای نسبی برای متوفی

- ۱ - سهم الارث زوج - در صورتی که زوجه بمیرد و اولاد یا اولاد اولاد داشته باشد، زوج ربع از ترکه او را خواهد برد (خواه اولاد زوجه از زوج مزبور باشد یا از مرد دیگری) چنانچه زوجه اولاد یا اولاد اولاد نداشته باشد، زوج نصف از ترکه او را خواهد برد.
- ۲ - سهم الارث زوجه - در صورتی که زوج بمیرد و اولاد یا اولاد اولاد داشته باشد، زوجه ثمن از ترکه او را خواهد برد (خواه اولاد زوج از زوجه مزبور باشد یا از زن دیگری)

چنانچه زوج اولاد یا اولاد اولاد نداشته باشد، زوجه ربع از ترکه را می‌برد.

زوجین با هر یک از طبقات سه کانه که موجود باشند در ترکه شریک خواهند بود و به دستور مواد زیر سهم الارث خود را از اصل ترکه می‌برند. در مبحث سهم الارث ورثه طبقه اولی، ماده ۹۱۳ قانون مدنی می‌گوید: «در تمام سورا مذکوره در این مبحث هر یک از زوجین که زنده باشند فرض خود را می‌برد و این فرض عبارت است از نصف ترکه برای زوج، و ربع آن برای زوجه در صورتی که میت اولاد یا اولاد اولاد نداشته باشد، و از ربع ترکه برای زوج و ثمن آن برای زوجه در صورتی که میت اولاد یا اولاد اولاد داشته باشد، و مابقی ترکه بر طبق مقررات مواد قبل مابین سایر وراثت تقسیم می‌شود». در مبحث سهم الارث ورثه طبقه دوم، ماده ۹۲۷ قانون مدنی در بند اول می‌گوید: «در تمام موارد مذکوره در این مبحث هر یک از زوجین که باشد فرض خود را از اصل ترکه می‌برد و این فرض عبارت است از نصف ترکه برای زوج و ربع آن برای زوجه...»

در مبحث سهم الارث ورثه طبقه سوم ماده ۹۲۸ قانون مدنی می‌گوید: «در تمام موارد مزبوره در این مبحث هر یک از زوجین که باشد فرض خود را از اصل ترکه می‌برد و این فرض عبارت است از نصف ترکه برای زوج و ربع آن برای زوجه...»

منظور از اولاد داشتن متوفی، در موارد بالا اولادی است که از نکاح یا از شبهه متولد شده باشد و الا چنانچه از زنا متولد شده باشد مانند آن است که متوفی اولاد ندارد، زیرا تقلیل یافتن نصیب هر یک از زوجین در صورت بودن اولاد از نظر وراثت او از متوفی است و هرگاه متولد از زنا باشد ارث نمی‌برد و از این حیث مانند غیر موجود می‌باشد.

دوم - سهم الارث زوجین در صورت نبودن اقربای نسبی برای متوفی

در صورتی که یکی از زوجین بمیرد و وراثت نسبی نداشته باشد، بازمانده دیگر به طریق ذیل ارث خواهد برد:

۱ - سهم الارث زوج - هرگاه زوجه بمیرد و اقربای نسبی از خود باقی نگذارد، تمامی ترکه به زوج می‌رسد. به اصطلاح حقوقی گفته می‌شود که زوج نصف ترکه را به فرض و

نصف دیگر را به رد می‌برد.

۲ - سهم الارث زوجه - در صورتی که زوج بمیرد و اقربای نسبی از خود باقی نگذارد، زوجه فقط ربع از ترکه را که نصیب معینه او است به فرض می‌برد، و بقیه مانند ترکه بلا وارث به خزینه دولت داده می‌شود. ماده ۹۴۹ قانون مدنی می‌گوید: «در صورت نبودن هیچ وارث دیگر به غیر از زوج یا زوجه شوهر تمام ترکه زن متوفای خود را می‌برد، لیکن زن فقط نصیب خود را، و بقیه ترکه شوهر در حکم مال اشخاص بلاوارث و تابع ماده ۸۶۶ خواهد بود».

ماده ۸۶۶ قانون مدنی می‌گوید: «در صورت نبودن وارث امر ترکه متوفی راجع به حاکم است». ماده مزبور امر ترکه را راجع به حاکم دانسته ولی بیان نکرده است که حاکم آن را به چه مصرفی می‌رساند. قانون امور حسبی در ماده ۳۳۵ مذکور در فصل هشتم در ترکه متوفای بلا وارث مقرر می‌دارد که ترکه به خزانه دولت داده می‌شود، در این صورت جزء عایدات عمومی خواهد بود. ماده ۳۳۵ قانون امور حسبی: «اگر از تاریخ تحریر ترکه تا ده سال، وارث متوفی معلوم شود ترکه به او داده می‌شود و پس از گذشتن مدت نامبرده باقیمانده ترکه به خزانه دولت تسلیم می‌شود و ادعای حقی نسبت به ترکه از کسی به هر عنوان که باشد پذیرفته نیست».

بعضی از فقهاء امامیه برآن‌اند: که چنانچه زوج بمیرد و وارثی از خود باقی نگذارد مگر زوجه تمامی ترکه به او داده می‌شود یک ربع به عنوان فرض و سه ربع دیگر به عنوان رد.

تبصره - سهم الارث زوجات متعدد

به دستور ماده ۹۴۲ قانون مدنی: «در صورت تعدد زوجات، ربع یا ثمن ترکه که تعلق به زوجه دارد، بین همه آنان بالسویه تقسیم می‌شود» مثلاً هرگاه شوهری بمیرد و در زمان فوت چهار زن دائم داشته باشد، ربع ترکه در صورتی که متوفی اولاد نداشته باشد و ثمن از آن هرگاه اولاد داشته باشد، بین آنها به طور متساوی تقسیم می‌گردد.

گاه ممکن است بیش از چهار زن در ربع یا ثمن مزبور شریک شوند و آن در موردی

پیش می‌آید که مرد چهار زن دائم داشته باشد و یک یا چند نفر آنها را در بیماری که از آن می‌میرد طلاق دهد، و به جای آنها زن دیگر بگیرد و نزدیکی کند. مثلاً هرگاه کسی چهار زن داشته باشد و در بیماری که از آن می‌میرد یکی را طلاق دهد و دیگری را به نکاح درآورد و با او نزدیکی نماید و شوهر در مدت یک سال از تاریخ طلاق بمیرد، پنج زن از او ارث می‌برند و آنها عبارتند از سه زن که در نکاح او بوده‌اند، یکی که طلاق داده شده و طبق ماده ۹۴۴ قانون مدنی تا یک سال از شوهر خود ارث می‌برد، و زنی که به نکاح مجدد درآمده است، و طبق ماده ۹۴۵ قانون مدنی ارث خواهد برد.

ماده ۹۴۵ قانون مدنی: «اگر مردی در حال مرض زنی را عقد کند و در همان مرض قبل از دخول بمیرد زن از او ارث نمی‌برد، لیکن اگر بعد از دخول یا بعد از صحت یافتن از آن مرض بمیرد، زن از او ارث می‌برد» بنابراین زن‌های متوفی و زنهایی که او در حال بیماری طبق ماده بالا طلاق می‌دهد و همچنین زنهایی که در مدت بیماری به نکاح درمی‌آورد و با آنها دخول می‌کند، هرچند نفر که باشند در سهم الارث (ربع یا ثمن) شریک می‌شوند.

باب سوم

در اموالی که زوجین از آن ارث می‌برند

ماده ۹۴۶ قانون مدنی می‌گوید: «زوج از تمام اموال زوجه ارث می‌برد، لیکن زوجه از اموال ذیل:

۱ - از اموال منقوله از هر قبیل که باشد.

۲ - از ابنیه و اشجار».

این ماده اموالی را که هر یک از زوجین از آن ارث می‌برد بیان می‌نماید، که در زیر شرح داده می‌شود:

الف - اموالی که زوج از آن ارث می‌برد - در صورتی که زوجه بمیرد، زوج از تمامی اموال زوجه خواه منقول باشد یا غیرمنقول به مقدار سهم الارث معینه (ربع یا نصف) از ترکه

می‌برد.

ب - اموالی که زوجه از آن ارث می‌برد - قانون مدنی علاوه بر آنکه نصیب زوجه را نصف نصیب زوج قرار داده است، او را از بعض اموال ترکه که از مفهوم ماده ۹۴۶ قانون مدنی استثنای می‌شود، محروم نموده و آن عبارت است از: زمین خواه زیر ساختمان باشد یا نباشد و از عین ابنیه و اشجار، بنابراین طبق ماده بالا زوجه از اموال ذیل ارث می‌برد:

۱ - اموال منقوله از هر قبیل که باشد - اموال منقول عبارت است از اموالی که ذاتاً منقولند، یعنی نقل آن از محلی به محل دیگر ممکن باشد بدون آنکه به خود، یا محل آن خرابی وارد آید، مانند فرش، میل، پرده و امثال آن که شرح آن در مجلد اول این کتاب بیان گردید. همچنین است اموالی که در حکم منقول می‌باشد، مانند طلب (به هر سببی که حاصل شده باشد مانند مال الاجاره، ثمن در بیع مال اگرچه غیر منقول باشد) حق خیار، حق شفعه، حق وثیقه بر اموال منقول، حق اختراع و کشف، حق تألیف و ترجمه، حق شرکاء در شرکت‌های تجاری و امثال آن. به نظر می‌رسد دینی که موضوع آن غیرمنقول باشد، مانند آنکه کسی تعهد نموده که هزار مترمربع از زمین‌های مزروعی واقع در ناحیه معین را به مورث منتقل کند، تعهد مزبور منقول شناخته می‌شود و پس از انجام تعهد زن از عین اموال غیرمنقول سهم خود را می‌برد.

۲ - ابنیه و اشجار - منظور از ابنیه آن چیزی است که به وسیله عمل انسان بر روی زمین یا چوب، آهن، سنگ، آجر، آهک، خاک، سیمان و امثال آن ساخته شده است. همچنین است کارخانه‌ها و تأسیسات دیگر. آنچه در زمین مانند لوله‌های آب و برق و تلفن و امثال آن به کار رفته و یا آنکه در زمین مانند آب انبار حوض و زیرزمین حفر شده اگرچه هیچ گونه مصالح ساختمانی در آن به کار نرود، در حکم ابنیه محسوب می‌گردد مانند قنوات یا چاه آب یا زیرزمین‌هایی که در بعض شهرها در طبقه دوم یا سوم در سنگ حفر می‌نمایند و یا زانه‌هایی که برای گوسفندان در کوه یا در زیرزمین می‌کنند.

منظور از اشجار درخت و اصله‌هایی است که در روی زمین می‌باشد، خواه طبعاً روئیده

شده و یا به وسیله عمل انسانی کاشته شده باشد. به نظر می‌رسد که کشت و زراعت و بوته‌هایی که در زمین می‌روید مانند بادمجان، پنبه و امثال آن در حکم اشجار است، اگرچه کلمه اشجار شامل آن نمی‌شود، زیرا می‌توان از نظر وحدت ملاک شق ۲ ماده ۹۴۶ قانون مدنی آن را استنباط نمود.

چنانکه از بیان ماده ۹۴۶ قانون مدنی معلوم است به پیروی از نظر حقوقین امامیه که قانون مدنی از آن پیروی نموده است، زن از زمین ارث نمی‌برد اگرچه زیر اشجار و بنا باشد. همچنین زن از حق انتفاع از غیرمنقول و از منفعت آن، ارث نمی‌برد، زیرا آنها از اموال منقول نمی‌باشند که زن از عین آنها ارث ببرد و از ابنیه و اشجار به شمار نمی‌آید که از قیمت آنها ارث ببرد.

نظر مشهور فقهاء امامیه بر آن است که زن از زمین ارث نمی‌برد و از قیمت ابنیه و اشجار و از عین بقیه ترکه ارث می‌برد. چند قول دیگر راجع به ارث زن نیز در حقوق امامیه موجود است که ذیلاً بیان می‌گردد:

- ۱ - ارث بردن زوجه از تمام ماترک زوج خود، مزبور نادر است.
- ۲ - فرق بین زوجه ذات ولد و غیرذات ولد، بدین نحو که اولی از تمامی ترکه زوج ارث می‌برد و دومی از غیرزمین.
- ۳ - زوجه فقط از خانه و مسکن ارث نمی‌برد، و از بقیه ترکه نصیب خود را خواهد برد.
- ۴ - سیدمرتضی بر آن است که زوجه از عین زمین ارث نمی‌برد بلکه زمین تقویم شده و از قیمت آن به زوجه داده می‌شود.

فلسفه محرومیت زوجه از ارث بردن زمین و شریک قرار ندادن او با ورثه دیگر آن است که زن پس از فوت شوهر خود، ممکن است به دیگری شوهر کند و مرد اجنبی را در زندگانی خانواده شوهر سابق مداخله دهد و این امر ایجاد اختلافاتی بین خانواده شوهر سابق و شوهر را موجب شود که با افراز یا فروش غیرمنقول هم دشمنی از آن رفع نگردد، بدین جهت قانون قبل از ایجاد اختلاف، حقوق آنان را از یکدیگر تفکیک نموده است.

حدس زده می‌شود که این امر منشاء تاریخی عمیقی داشته باشد و آن این است که در دوران گذشته که هنوز مرکزیت خانواده متزلزل نشده بود، زن پس از فوت شوهر از خانواده خارج می‌شده و به خانواده اصلی خود عودت می‌یافته و از افراد آن به شمار می‌رفته است. از طرف دیگر اموال غیرمنقول مخصوصاً اراضی مانند افراد، بقاء خانواده را تضمین می‌نموده و متعلق به رئیس یا خانواده بوده، بدین جهت نصیبی از آن به زن داده نمی‌شده است. این امر را روایاتی که بین ارث زوجه ذات ولد و زوجه غیرذات ولد فرق می‌گذارد و نصیب ذات ولد را از تمامی ترکه و غیرذات ولد را از غیر اراضی قرار می‌دهد تأیید می‌نماید، زیرا ادواری چند موقعیت زن ذات ولد به اعتبار آنکه فرزندش از افراد خانواده است جزء خانواده شوهر محسوب می‌گشته و نمی‌توانسته از خانواده خارج گردد.^۱

زوجه از قیمت ابنیه و اشجار ارث می‌برد - چنانکه در بالا تذکر داده شد زن از عین اموال منقوله سهم خود را می‌برد، ولی برای آنکه روابط و تماس او برای همیشه از خانواده شوهر سابقش قطع گردد، ماده ۹۴۷ قانون مدنی مقرر داشته که: «زوجه از قیمت ابنیه و اشجار ارث می‌برد، نه از عین آنها و طریقه تقویم آن است که ابنیه و اشجار با فرض استحقاق بقاء در زمین بدون اجرت تقویم می‌گردد». ماده مزبور دارای دو قسمت است:

۱ - زوجه از قیمت ابنیه و اشجار ارث می‌برد - قول مزبور مشهور نزد فقهای امامیه می‌باشد. بنابراین قول، زوجه نسبت به عین ابنیه و اشجار حقی ندارد و به فوت زوج به مقدار قیمت سهم‌الارث خود (ربع یا ثمن) از ابنیه و اشجار از ورثه طلبکار می‌گردد و عین سهم‌الارث زوجه از (ثمن یا ربع) ابنیه و اشجار مورد وثیقه طلب او است، بدین جهت هرگاه ورثه متوفی قیمت آنها را به زوجه ندهد او می‌تواند ورثه را اجبار به فروش مورد وثیقه خود از ابنیه و اشجار بنماید و از ثمن آن، طلب خود را استیفاء کند. به نظر می‌رسد که زوجه

۱ . با عنایت به فلسفه محرومیت زوجه از ارث بردن زمین که فوقاً تشریح شده آن را دلیل جامع و مانع و قاطع به حساب نمی‌توان آورد که مستوجب این حرمان بزرگ در حق زوجه گردد و صرفاً جهت پیشگیری از ایجاد اختلاف احتمالی بین خانواده زوجه با خانواده زوج بوده است و به اصطلاح معروف قصاص قبل از جنایت است و وجه عرفی و عدلی و انصافی ندارد.

مانند طلبکاران عادی و اختصاصی ورثه نمی‌تواند از اموال شخصی آنها یا از فروش قسمت‌های دیگر ترکه استیفاء حق خود را بنماید. در صورتی که ثمن فروش کفایت طلب زوجه را از این بابت ننماید، بقیه آن به عهده ورثه است که می‌پردازند. این است که ماده ۹۴۸ قانون مدنی می‌گوید: «هرگاه در مورد ماده قبل ورثه از اداء قیمت ابنیه و اشجار امتناع کند، زن می‌تواند حق خود را از عین آنها استیفاء نماید». منظور ماده از عبارت (زن) می‌تواند حق خود را از عین آنها استیفاء نماید) آن است که زن بتواند ورثه را اجبار به فروش عین نصیب خود بنماید نه آنکه او بتواند عین نصیب خود را در مقابل آنچه از این بابت طلبکار است تملک نماید. بنابر قول بالا وارث نمی‌تواند زوجه را مجبور نماید که عین سهم الارث خود را از ابنیه و اشجار ببرد، همچنان که زوجه نمی‌تواند عین آنها را مطالبه کند. بعضی از فقهاء برآنند که زوجه مانند طلبکاران عادی و اختصاصی ورثه خواهد بود. یعنی دین در ذمه ورثه است و عین ربح یا ثمن اشجار و ابنیه وثیقه دین نمی‌باشد، بنابراین طلب زن از ورثه مانند طلب‌های عادی استیفاء می‌شود، بعضی دیگر از فقهای امامیه بر آنند که زوجه نصیب خود را از عین اشجار و ابنیه می‌برد و برای سهولت امر وراثت، مقرر گردیده که ورثه قیمت آن را به زوجه بپردازند، بنابراین هرگاه ورثه عین سهم الارث را به زوجه تسلیم نمایند زوجه نمی‌تواند از قبول آن امتناع کند و چنانچه قبل از تأدیه قیمت به زوجه، بدون موافقت او ابنیه و اشجار فروش رود، معامله نسبت به سهم زوجه مانند فضولی است و تنفیذ آن احتیاج به اجازه زوجه دارد.

۲ - طریقه تقویم ابنیه و اشجار - در این مسأله دو امر باید مورد نظر قرار گیرد:

یکی آنکه چگونه ابنیه و اشجار تقویم می‌شود؟ دیگر آنکه قیمت چه زمانی مورد نظر

قرار می‌گیرد؟

الف - ماده ۹۴۷ قانون مدنی تصریح می‌نماید که: ابنیه و اشجار با فرض استحقاق بقاء

در زمین بدون اجرت، تقویم می‌شود، یعنی ابنیه و اشجار به حالت موجود به طوری که

بتواند در روی زمین مجاناً بماند تا منهدم شود و درخت از بین برود تقویم می‌گردد، و سهم

زوجه ربع و یا ثمن از آن خواهد بود.

برای تعیین قیمت مزبور نمی‌توان زمین را به تنهایی بدون بنا و اشجار تقویم نمود و سپس زمین را با بنا و اشجار تقویم کرد، و فرق بین آن دو را قیمت بنا و اشجار با فرض بقاء در روی زمین دانست. زیرا ارزش زمین که بنا و اشجار غیر در آن نباشد، بیشتر از ارزش زمینی است که بنا و اشجار غیر مجاناً در آن باقی می‌ماند تا از بین بروند.

ب - برای تقویم ابنیه و اشجار، قیمت زمان فوت در نظر گرفته می‌شود، اگرچه در زمان تأدیه آن به زوجه قیمت ابنیه و اشجار ترقی یا تنزل کرده باشد، زیرا در آن زمان زوجه مستحق ثمنیه یا ربعیه خود می‌شود و حق او از عین تبدیل به قیمت می‌گردد. بدین جهت هرگاه ورثه در تأدیه قیمت به زوجه مدتی تأخیر اندازند زوجه هیچ‌گونه حقی نسبت به منفعت و ثمره عین ترکه برای مدت بین زمان فوت و تأدیه قیمت سهم‌الارث خود ندارد، ولی بنا بر نظر دیگر که زوجه سهم‌الارث خود را از عین ابنیه و اشجار می‌برد و برای تسهیل امر وراثت، قیمت به زوجه داده می‌شود، قیمت زمان تأدیه باید در نظر گرفته شود، زیرا در زمان مزبور عین تبدیل به قیمت می‌گردد، بنا بر این نظر منفعت و ثمره بین زمان فوت زوج و تأدیه قیمت متعلق به زوجه است.

اشاره: دکتر سیدحسین امامی در مبحث سهم‌الارث زوجین که مواد قانون مدنی در این رابطه را تحلیل و بررسی نموده و در تعیین نسبت سهام زوجین و اولویت آنها و از کل ماترک بودن سهام زوجین و نیز در مقام تقسیم ماترک بین صاحبان فرض مطلقاً از کل ترکه میت دانسته و حتی یک بار هم اشاره‌ای از $\frac{1}{4}$ یا $\frac{1}{8}$ اعیانی یا از ابنیه و اشجار و اموال منقول ننموده است.

و وقتی در مقام تحلیل ماده ۹۴۶ قانون مدنی برآمده، ناچار آن را به استناد همان ماده قانونی مورد بحث قرار داده و این دوگانگی جدید را که سهم‌الارث زوجه (از کل ماترک) یکباره به (اموال منقول و ابنیه و اشجار) تغییر یافته، نظر فقهای امامیه دانسته و قانون مدنی را در این مورد خاص، ملهم از حقوقیین امامیه اعلام داشته و در ضمن اضافه نموده:

(نظر مشهور فقهاء امامیه بر آن است که زن از زمین ارث نمی‌برد و از قیمت ابنیه و اشجار و از عین ماترک ارث می‌برد) و به چند قول دیگر راجع به ارث زن نیز که در حقوق امامیه موجود است اشاره نموده که ذیلاً بیان می‌گردد:

- ۱ - ارث بردن زوجه از تمام ماترک زوج خود، قول مزبور نادر است.
- ۲ - فرق بین زوجه ذات ولد و غیرذات ولد، بدین نحو که اولی از تمامی ترکه زوج ارث می‌برد و دومی از غیر زمین.
- ۳ - زوجه فقط از خانه و مسکن ارث نمی‌برد، و از بقیه ترکه نصیب خود را خواهد برد.
- ۴ - نظر سیدمرتضی بر آن است که زوجه از عین زمین ارث نمی‌برد بلکه زمین تقویم شده و از قیمت آن به زوجه داده می‌شود.

فلسفه محرومیت زوجه که تفصیل آن در فوق بیان شد، مبتنی بر ادله قرآنی نمی‌باشد و به نظر ما این فلسفه نمی‌تواند مورد قبول واقع شود چرا که این احتمال در ارث بردن زوج از ماترک زوجه نیز هست که شوهر پس از فوت زن با دیگری ازدواج کند و زن یا زنان دیگر را در زندگانی خانواده زن سابق مداخله دهد و این نیز ایجاد اختلافاتی بین زن یا زنان جدید با خانواده زن سابق بنماید در این صورت شایسته بود این حرمان (محرومیت شوهر از ارث بردن از کل ترکه زن متوفیه) در مورد شوهر نیز تسری داده می‌شد که نشده است بنابراین نظر آقای دکتر امامی، سهم الارث زن از کل ماترک شوهر مطابق نص صریح است و بس و ما هم دقیقاً برآنیم.

گزیده‌ای از کتاب «طبقات آیات» تألیف آقای خلیل صبری

در فصل پانزدهم که اختصاص به احکام ارث، ماترک - وصیت دارد آمده است:

- ۱ - برای زن و مرد از ماترک پدر و مادر و خویشان چه کم باشد و چه زیاد سهم معینی مقرر است. (آیه ۷ سوره مبارکه نساء)
- ۲ - اگر حین تقسیم ترکه میت، خویشان و یتیمان و ارباب استحقاق حاضر بودند به آنها چیزی بدهید و با آنان به مهربانی رفتار کنید و به خشونت آنها را نرانید. (آیه ۸ سوره

مبارکه نساء)^۱

۳ - کسانی که می‌ترسند بعد از خودشان اولاد صغیر باقی بگذارند و حق آنها پایمال شود باید در حفظ حق صغار مردم بکوشند - برای حفظ اولاد خود از خدا بترسید و سخن به راستی و درستی بگوئید. (آیه ۹ سوره مبارکه نساء)

۴ - آیه ۱۱ سوره نساء که در رابطه با سهم الارث اولاد و اینکه سهم پسر دو برابر سهم دختر است و به کمیت و کیفیت آنها اشاراتی دارد که البته اینها بعد از ادای دین میت و عمل به وصیت است.

۵ - مدلول آیه ۱۲ سوره نساء که مکرراً درباره متن و ترجمه تفسیر آن توضیح داده شده است.

۶ - آیات ۱۳ و ۱۴ سوره نساء که خدای تعالی همگان را به اطاعت محض و بی‌چون و چرا در آیات مذکوره که اوامر خدا و پیغمبر او می‌باشد دعوت می‌کند و اجر و پاداش اطاعت‌کنندگان و عقوبت و جزای سرپیچی و تجاوزکنندگان از اوامر خدا و پیغمبر خدا را تصریحاً مشخص می‌کند.

۷ - برای هر یک از وراثت از ترکه میت سهمی مقرر کرده‌ایم (اعم از آنکه ترکه پدر و مادر باشد یا سایر خویشاوندان) و همچنین کسانی که با شما قرارداد بسته‌اند مستحق سهم خود هستند سهم آنها را به آنان تحویل دهید خداوند شاهد و مراقب تمام امور است. (آیه ۳۳ سوره مبارکه نساء)

۸ - آیه ۱۷۶ سوره نساء که در رابطه با سهم الارث برادر و خواهر می‌باشد و در پایان آیه تأکیداً آمده است: خداوند احکام را بیان می‌کند که شما گمراه و دچار اشتباه نشوید.

۹ - خویشاوندان در استفاده از ارث یکسان نیستند و در احکام خدا بعضی بر بعضی دیگر

۱ . به نظر می‌رسد این حکم قرآنی (آیه ۸ سوره مبارکه نساء) در قانون مدنی وارد نشده است، پیشنهاد می‌شود در صورت تحقیق و تأیید موضوع مصرحه در آیه شریفه: (حضور خویشان و یتیمان و ارباب استحقاق (خودی و غیرخودی) در حین مراسم تقسیم ترکه میت) حکم اجرایی آن با الهام از معارف عالیه اسلام عزیز از سوی اداره تدوین قوانین صادر و به عنوان متمم (ماده واحده) به قانون مدنی اضافه شود.

مقدمند. (آیه ۷۵ سوره مبارکه انفال)

۱۰ - آیات ۴ و ۵ سوره احزاب در رابطه با اینکه پسرخوانده هیچ وقت پسر نخواهد شد و وارث شما نمی‌شوند نازل شده است.

۱۱ - خوبشاونندان مؤمن و مهاجر در حکم ارث و در کتاب خدا بعضی بر بعض دیگر مقدمند مگر آنکه وصیتی به نیکی و احسان درباره دوستان خود بکنید که حکم این قسمت در قرآن بیان شده است. (آیه ۶ سوره مبارکه احزاب)

۱۲ - بلیاتی که به آن دچار می‌شوید مجازات این است که مال موروث را بدون توجه به سهم ورثه ضعیف از قبیل زن و دختر به تمامی می‌خورید و مال دنیا را سخت دوست می‌دارید. (آیه ۱۹ سوره مبارکه فجر)

اشاره: آنچه فوقاً از کتاب طبقات آیات، مذکور افتاد همه آیاتی بود که در رابطه با ارث نازل شده و آیه دیگری که سهم الارث زوجه را از اموال منقول و ابنیه و اشجار مشخص کند وجود ندارد و تصریح آیات به $(\frac{1}{4}$ و $\frac{1}{8})$ سهم الارث زوجه از کل ماترک زوج می‌باشد و اگر شایان ذکر بود حتماً به استناد آیه ۶ سوره احزاب حکم آن در قرآن بیان می‌شد در صورتی که طبق آیات ۱۴ سوره نساء و ۱۹ سوره فجر، عواقب و بلیاتی که از عدم اجرای احکام قرآن بدان دچار می‌شویم [ما را] برحذر داشته است.